

ندما و خاصان آنان بوده است. وی رساله‌ای مفصل درباره آهنگها نوشته بود و به نوشته صاحب‌اغانی «او آهنگها را تصحیح کرد و طرق آن را به اصلاح برد و از هم ممتاز کرد، چنانکه هیچ‌کس پیش از او نکرده بود و پس از او نکرد.» مأمون در حق او گفته بود: «اگر اسحق در زبان مردم به غنا اشتهار نیافته بود. من او را تولیت قضا می‌دادم، چه او سزاوارتر و عقیف‌تر و راست‌تر و دین‌دارتر از همه این قاضیان است.» اسحق در اواخر عمر بینایی خود را از دست داد. متوکل در مرگ او گفت: «با مرگ اسحق دولت من از شرف و زینت محروم گشت.»

الکندی

ابویوسف یعقوب بن اسحاق. از فلاسفه التقاطی و دانشمندان بزرگ اسلام در علوم ریاضی و طبیعی، و به قول ابن‌الندیم «در معرفت علوم قدیمه فاضل دهر و یگانه عصر خود بود»؛ و به نوشته صاحب‌اخبارالحکماء مؤلف و مصنف ۲۳۸ کتاب و رساله بوده است. وی معروف به «فیلسوف عرب» است و به معتزله «که هر چیز را به محک عقل می‌زدند» و به روشن‌اندیشان جهان اسلامی شهرت یافته‌اند گرایش داشته و در دستگاه مأمون و معتصم از مقامی ارجمند برخوردار بوده است. در حدود سال ۱۸۵ هـ. متولد و در حدود ۲۵۲ وفات یافته است.

ایرانه «۸۰۲ - ۷۹۷ م»

امپراتور روم شرقی (بیزانس).

باب‌الابواب (در بند)

شهری باستانی که در گردنه‌ای باریک میان دریای خزر و کوه‌های قفقاز بنا شده بود. این گردنه در ادوار پیش و پس از اسلام برای جلوگیری از حملات مهاجمین شمالی چون طوایف خزر، هون، سارمات، آلان و... دارای اهمیت نظامی و دفاعی زیادی داشته است. در زمان انوشیروان سدسنگی بلندی به طول هفت فرسنگ در

فاصلهٔ جبال قفقاز و دریای خزر ساخته شد که به سد اسکندر معروف شده است. از حملهٔ خزرها به دربند در زمان هارون الرشید [در سال ۱۸۳/ه = ۷۹۹/م] و غارت و برده‌گیری در منابع تاریخی سخن رفته است. شهر دربند امروزه دومین شهر معتبر جمهوری خودمختار داغستان آذربایجان شوروی است. این شهر در ادوار مختلف با نام‌های: «باب»، «باب‌الابواب»، «الحدید» «دربند»، «دهیر قاپو»، «دمیرقاپی دربند»، «تیه‌ورگ‌حالق»، «ک‌حالق»... خوانده شده است.

بیت‌الحکمه

سازمانی علمی که مأمون به تقلید از دانشگاه جندی‌شاپور در بغداد پی‌افکند. وظیفهٔ اصلی آن ترجمهٔ آثار علمی و فلسفی یونانی بود. بیت‌الحکمه دارای کتابخانهٔ عظیمی بود که از زمان هارون و برامکه سابقه داشته و خزانهٔ‌الحکمه نامیده می‌شد.

پنام

پارچه‌ای چهارگوشه که زردشتیان به هنگام خواندن اوستا یا نزدیک شدن به آتش به روی خود می‌بندند.

تئوفوبوس

نوشته‌اند که وی پسر یکی از شاهزادگان ساسانی بود که بعد از فتح اعراب، در بیزانس به‌سربرد و در آنجا درگذشت. تئوفوبوس به آیین مسیح و در بیزانس به خدمت نظام درآمد و چندان ترقی کرد که خواهر قیصر را به زنی گرفت و به فرماندهی یک سپاه سی‌هزارنفری از ایرانیان پناهنده شده به بیزانس منصوب شد. وی سرانجام در توطئه‌ای علیه تئوفیل گرفتار و اعدام شد.

تئوفیل

امپراتور بیزانس (۸۴۲ - ۸۲۹/م = ۲۲۷ - ۲۱۴، ه)

جاحظ (۲۵۵ - ۱۶۰ هـ)

ادیب و نویسنده و لطیفه‌پرداز بزرگ معتزلی که نثر عربی را تکامل بخشید او را مؤلف در حدود ۲۰۰ اثر دانسته‌اند.

جبال

یا بلاد الجبل که بعدها عراق عجم نامیده شد به ناحیه کوهستانی دمتد از دشتهای بین‌النهرین تا کویر مرکزی ایران گفته می‌شد. به نوشته ابوالفدا حد غربی بلاد جبل، آذربایجان است و حد جنوبی قسمتی از بلاد عراق و خوزستان و حد شرقی بیابان خراسان و فارس، و حد شمالی بلاد دیلم و قزوین و ری.

جبرائیل

از خاندان معروف همدانی جندی شاپور است که پزشکان بزرگی از آن خاندان برخاسته‌اند. وی پسر بختیشوع و پدر میکائیل است که هر دو از طبیبان معروف دوران عباسی بوده‌اند. جبرائیل ابتدا طبیب جعفر برمکی و سپس هارون و مأمون بوده است. در زمان مأمون بارها به زندان افتاد. رسالات طبی زیادی نوشته و در پیشرفت علمی بغداد تأثیر فراوانی داشته است. به قولی در سال ۲۱۲ هـ وفات یافته است.

جوانشیر

وی در فاصله سالهای ۶۳۸ تا ۶۷۰ میلادی در رأس دولت گردمان قرار داشت. بارها با خزرها که آلبانی را مورد تاخت و تاز قرار می‌دادند جنگید و هر بار شکستشان داد. همچنین علیه اعراب ابتدا در کنار ساسانیان و بعد از برافتادن آنها به تنهایی دست و پنجه نرم کرد. و سرانجام خائنه به قتل رسید. جوانشیر از جهتی پیشاهنگ بابک به شمار می‌رود و نامش در ردیف نام او و قهرمانانی چون «کورواغلو» و «نبی» برده می‌شود.

چینوت

در آیین زردشت نام پلی است که روان مردگان از روی آن می‌

گذرد و به بهشت یا دوزخ می‌رسد.

حکم اول

(۲۰۶ - ۱۸۰ ، ۵ = ۸۲۲ - ۷۹۶ ، م) سوهین امیر اهوی قرطبه.

در بند باب‌الابواب

زندیق

عرب کلمهٔ زندیک است که در روزگار ساسانیان و به مانویان اطلاق می‌شد و در قرون اولیهٔ اسلام عموماً به کسانی که دلحد و دهری و یا مخالف اسلام بودند، می‌گفتند.

ساتورن

جشنی که در روم باستان به افتخار رب‌النوع‌ها در ۲۷ دسامبر هر سال می‌گرفتند در این روز همه دست‌از کار می‌کشیدند و بردگان نیز آزادانه در جشن شرکت می‌کردند و با اربابان خود شراب می‌نوشیدند. برده‌داران در این روز گاه بردگانی را آزاد می‌کردند.

سپندارمذ

(= آرماتی) که در فارسی اسفند نامیده می‌شود، نام چهارمین از مهین فرشتگان است. این فرشته نگهبان زمین و خرمی و آبادانی است و دختر اهورامزداست.

سواد

به دشت آبرفتی دجله و فرات گفته می‌شود که همان سرزمین عراقی عرب باشد.

سوود

مجموعه رساله‌های طبی بیزانس. این مجموعه را که بالغ بر هفتاد جلد بود، دانشمندان اسلامی در آن زمان به زبان عربی ترجمه

کردند.

سهل بن سباط

از بطریقان و امیران ارمنی و فرمانروای دژ «شکی» که ابتدا با بابک هم‌پیمان بود و بعد به وی خیانت ورزید و به افشین تسلیمش کرد.

شارلمانی

یا شارل بزرگ (۸۱۴ - ۷۴۲ / م)، پادشاه فرانک‌ها، امپراتور روم مقدس که بر بخش اعظم اروپا فرمان می‌راند. نوشته‌اند که باهارون الرشید [در گذشته به سال ۱۹۴ هـ = ۸۰۹ م] مناسبات دوستانه‌ای داشته است.

شاهشرفان

خرابه‌های این دژ اکنون در بخش زنگیلان آذربایجان شوروی به‌جاست.

شروین

سمعانی گوید: «بابکیان... يك تن از شاهان پیش از اسلام خود را پیامبر می‌دانند که او را شروین می‌گویند.» و اسفراینی در «التبصیر...» خود می‌نویسد:
«و این خرمیان مدعی شدند که ایشان را در جاهلیت شاهی بوده است که شروین نام داشته و او بر پیامبران برتری می‌دهند و گاهی به نام او سوگواری و زاری بسیار می‌کنند.»

طغرا

خطی منحنی که بر سر فرمان‌ها می‌کشیده‌اند. و نیز القابی که به طرز مخصوص بر سر فرامین به آب‌طالا یا شنجرف می‌نوشتند. نیز نوشته‌اند: «نوعی پوشاک سر که با جواهران آراسته شده و مخصوص زنان عباسی بوده است.»

عبدالرحمن ثانی

فره‌انروای اندلس (۲۳۸ - ۲۰۶ / ه = ۸۵۲ - ۸۲۲ / م)

عبدالله بن مبارک

نام این شخص در سیاستنامه «عبدالله بن مالك» آمده است: «هارون عبدالله بن مالك را از خراسان با بیست هزار سوار به حرب ایشان [خرمیان] فرستاد.»

عبدوس الفخری

در سال ۸۳۱ م (۲۱۶ / ه) در مصر قیام کرد و ماهون، افشین را ماهور سرکوبی این قیام کرد.

عصمت الکردی

سپهدار بابک بود که محمد بن بعیث فره‌انروای هرند او را به غدیر در دژ خود خواست و گرفتار کرد و به نزد معتصم فرستاد.

علی بن صدقه

معروف به زریق از سردارانی بود که ماهور جنگ با بابکیان شده بودند، اما به خرمیان گرایش یافت و بر ماهون عاصی شد و ددتها در مناطقی کوهستانی پرچم خودسری افراشت و سرانجام محمد بن حمید طوسی ماهور سرکوبی او شد و در سال ۲۱۲ او را اسیر کرد و به بغداد فرستاد و به دستور ماهون اعدام شد.

علی بن هشام

بعد از کشته شدن محمد بن حمید در سال ۲۱۴، از طرف ماهون به عنوان حکمران جبل و قم و اصفهان و آذربایجان تعیین و ماهور جنگ با بابک شد، اما نجنگید و نارضایی ماهون را فراهم ساخت. ماهون «عجیف بن غنیه» را ماهور دستگیری او کرد. عجیف او را دستگیر کرد (سال ۲۱۷) و به بغداد فرستاد. به دستور ماهون سر از تن علی و برادرش جدا کردند و سر مومیایی شده علی را در عراق و خراسان و شام و مصر بگردانیدند.

عنتره بن شداد العبسی

از دلیران معروف عرب و از شاعران بزرگ دوره جاهلیت و یکی از سرایندگان مملقات سبعه، چهره عنتره و عشقبازی‌های او با دختر عه‌ویش «عبله» در هاله‌ای از اساطیر پیچیده شده است. کتاب «سیره عنتره» مجموعه‌ای از قصه‌های پهنوانی و شهسواری راجع به همین عنتره است.

فوما

در سال ۸۲۱ م (۲۰۶ هـ) همزهان با قیام بابک، قیامی دربیزانس درگرفت که رویهمرفته سراسر آسیای صغیر را فراگرفت و دهقانان آزاد، بردگان و رعایایی که به ضد اربابانشان برخاسته بودند متحداً در آن شرکت کردند. در رأس این قیام مردی به نام «فوما» قرار داشت. همچنانکه بابک در صدد جلب حمایت امپراتور بیزانس بود، فوما نیز با اعراب وارد مذاکره شد. فوما خود را امپراتور نامید و تاج بر سر گذاشت و با نیروی عظیمی قسطنطنیه را به محاصره درآورد اما امپراتور به دستگیری بلغارها موفق بدسرکوبی قیام و دستگیری و اعدام فوما شد.

فیتاغورس

فیلسوف و ریاضیدان یونانی (تولد حدود ۵۸۰ ، فوت حدود ۴۹۷ ، ق. م) گفته‌اند: به مصر و ایران و هندوستان سفر کرده است و از دانشمندان آن کشورها بهره برده است. در فلسفه او، علوم ریاضی اهمیت تمام داشته است. عدد را اصل وجود می‌پنداشت و موسیقی را به جهت اینکه ترکیب صوت‌ها در تولید نغمه‌ها تابع تناسبهای عددی می‌باشد. در رشته‌های علوم ریاضی می‌شهرد.

قطربل

قریه‌ای در حومه بغداد بوده است و به نوشته ابوالفداء «در آن شراب فروشند» و به نوشته قحطی «شراب آن جا به خوبی ضرب‌المثل است.»

کالیستن

(۳۲۷ - ۳۶۰ ق.م) مورخ یونانی که همراه اسکندر به آسیا آمد. در آغاز اسکندر را به خدا تشبیه می‌کرد و بعدها به توطئه علیه اسکندر مظنون و متهم شد و به قتل رسید. کتاب او درباره اسکندر الهام‌بخش اسکندرنامه‌هایی شده که بعدها نوشته‌اند.

کستی

کستی بندی است که از ۷۲ نخ از پشم گوسفند بافته می‌شود. هر زردشتی پس از رسیدن به سن بلوغ طی آیینی آن را به کمر می‌بست.

کلیله و دهنه

در هند قدیم تألیف یافته است. بعدها در زمان ساسانیان به زبان پهلوی ترجمه شد و ابن‌مقفع دانشمند و مترجم معروف ایرانی (مقتول به سال ۱۴۲ هـ) آن را به عربی برگردانید. این کتاب بعدها به‌توسط چندتن به فارسی ترجمه شد. ترجمه نصرالله منشی معروفترین آنهاست.

گاهنبار یا گهنبار

جشن‌های ششگانه زردشتی که هر کدام در وقتی از سال و به مناسبتی برگزار می‌شد و به ترتیب عبارتند از: «میدیوزرم» (میان بهار) که در نیمه اردیبهشت ماه روز خلقت آسمان برگزار می‌شد. «میدیوستم» (میان تابستان) در نیمه تیرماه، «پتیه شمیم» (دانه‌آور) روز خلقت زمین، «میدیارم» (میان سال) در دیماه روز خلقت جانداران، «ایاسرم» در مهرماه موسم برگشت گله‌ها، و «هه‌سپتدم» در آخرین روز کیسه سال - فروردینماه، روز خلقت انسان برگزار می‌شد.

گردمان

نام ولایتی از آلبانی قدیم که اراضی بین دامنه شرقی رشته‌کوه قفقاز، دریای خزر و رودهای ارس و کورا را دربرمی‌گرفته است.

خاندان ایرانی تبار مهرانى در زمان ساسانیان بر این ولایت حکومت می‌کرد که پایه پای زوال قدرت ساسانی اعتبار می‌یافت و دولت مستقل گردهان را تشکیل داد و بر وسعت قلمروش افزود. برجسته‌ترین فرد این دولت جوانشیر است.

لاک‌پشت

اعراب آلت قلعه کوب قدیمی را چنین می‌نامیدند.

مازیار بن قارن

سپهبدزاده‌ای طبرستانی بود. بعد از مرگ قارن حکومت طبرستان به برادر وی (عهوی مازیار) رسید و مازیار به درگاه ماهون رفت و اظهار اطاعت کرد. ماهون او را فرمان حکومت داد. مازیار بعد از بازگشت به طبرستان، عهوی خود را هلاک کرد و بعد از آن تازهان معتصم خراج طبرستان را که جزء قلمرو طاهریان بود به آنها می‌فرستاد و از خلافت پیروی می‌کرد. بعدها عصیان ورزید و با بابک همسو و مدعی خرمی‌گری شد و از دهقانان و کشاورزان خواست تا مال و خواسته مسلمانان را تاراج کنند و بر آنها بشورند. به دستور او مسجدها خراب شد و مسلمانان تحت فشار قرار گرفتند. افشین با نامه‌ای او را به اداه قیام علیه طاهریان تشویق کرد. رویارویی با طاهر، کوهیار (برادر مازیار) به برادر خود خیانت کرد و عبدالله طاهر، مازیار را در سال ۲۲۴ (یک سال پس از شکست بابک) روانه بغداد کرد. مازیار در بازجویی‌ها پرده از روی مناسبات خود با افشین برداشت و هر دو اعدام شدند.

منکلم

به کسانی گفته می‌شود که به علم کلام اشتغال داشتند و خود فرقه‌ایست از فرق اسلامی که ابوالحسین اشعری بعدها (اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم هجری) آن را شکل بخشید.

مجال‌بیشکین

همان مشکین است که در آن زمان دارای هفت شهر و از آن جمله
بذ بوده است.

محمد بن رواد ازدی

پسر رواد از خاندان روادیان که در روزگار بابک بر تبریز و
خوه‌اش حکومت می‌کرده است.

مزدک یا مزدک‌نامه

کتابی است که گویا توسط ابن‌مقفع به زبان عربی ترجمه شده است
که البته امروز اثری از آن در دست نیست. این کتاب چنانکه
از اطلاعات موجود درباره‌اش برمی‌آید، از خون مزدک یا مزدکیان
نبوده، بلکه در مخالفت با آیین مزدکی نوشته شده و از این بابت
گویا شباهتی به سیاست‌نامه داشته است.

معتزله

از فریق اسلامی که در اوایل قرن دوم هجری، در بصره ظهور کرد
و در قلمرو خلافت عباسی گسترش یافت معتزله عقل‌گرا و طرفدار
اختیار در مقابل جبر بودند.

میخائیل دوم

امپراتور بیزانس (۸۲۹ - ۸۲۰ / م)

مهر

از ایزدان درجه اول آیین مزدسینا و دارنده چراگاه‌ها و نگهبان
درستکاران و ناظر اعمال نیک و بد مردم است.

نیکفور اول (۸۱۱ - ۸۰۴)

امپراتور روم شرقی (بیزانس).

ودا (ریگ‌ودا)

نام کتاب مقدس هندوان. زمان تصنیف آن را ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد می‌دانند که به سرپرستی سوشروتا طبیب هندی صورت گرفته است. در آن از ستایش خدایان، آهنگها و نغمه‌ها و پزشکی و داروسازی سخن رفته است.

هوم

نوشابه‌ایست که از گیاهی به همین نام می‌گرفته‌اند و در جشن‌ها و نیایش‌های دین زردشتی می‌نوشیده‌اند.

www.KetabFarsi.com